خواند که نه زن از مرد سیر شود و نه مرد از زن چنانکه در وکه زن زنی کنند
پیغامبر فرمود علیه السلام که در آخر الزمان پیشوای قوم ناکسان خسیسان
و کم اصلان شوند از مشارق و از مفتاح جبرئیل علیه السلام پرسید از رسول
صلی الله علیه وسلم خبر کن ما را از قیامت که کی آید رسول گفت جواب کوینده
از پرسنده عالم تر نیست پس جبرئیل گفت خبر کن ما را از علامتهاء آن رسول
فرمود علیه السلام که کنیزک خداوندگار خود را بزاید یعنی از کنیزک فرزندان شوند
و بزایند و تو بینی بابرهنگان و تن برهنگان را و فقیران و شبانان را که عمارتهای
بسیار و رفیع کنند و بدان فخر کنند و مهتر قوم شوند جبرئیل گفت علیه السلام فرمایگان
و خسیسان نیز غنی و مهتر قوم شوند ابو علی شقفی علیه الرحمه گفت بباید بر این امت
زمانه که عیش خوش نباشد مومن را مگر خدمت کند منافق را رسول فرمود علیه
السلام زمانه بیاید بر امت من که شناختن عالمان بجائه خوب باشد و شناخته
نشوند قاریان مگر بآواز خوش و عبادت نکنند مگر ماه رمضان بکار و خدای عز و جل
بر ایشان کسی را که رحمت نکند بر خوردکان ایشان و حرمت ندارد بزرگان
ایشان را رسول فرمود علیه السلام زمانه آید بر امت من که جاهل تحکم کند و عالم ساکت
باشد دروغ گوی را راست گوی دارند و امین را دروغ گوی دارند و برادر از
برادر بیزار شود رسول فرمود علیه السلام قیامت قایم نشود تا تابع نشود زنی را
سی زن و همه گویند که ما را نکاح کن رسول فرمود علیه السلام بناه خواهید

و باز داشت خواهید از خدای عز و جل بعد از مقصد و هفتاد سال تفسیر معنی
رسول فرمود علیه السلام چون بباید بر امت من بعد از هفتصد و هشتاد سال
بدرستی که حلال بود مر ایشان را که زن خواهند و خلوت گیرند و عزلت در کوه ها رسول
فرمود علیه السلام زمانه آید بر امت من که دوست دارند پنج چیز را دوست دارند
عمارت را و عز و جاه را و قصرها بنا کنند و خانها و فراموش کنند گور را و دوست
دارند گناه را و فراموش کنند توبه را و دوست دارند حیات را و فراموش
کنند مرگ را و دوست دارند دنیا را و فراموش کنند عقبی را و دوست دارند
خلق را و فراموش کنند خالق را و دوست دارند مال را و فراموش کنند زکوة را
تنبیه خواجه ابو اللیث رحمه الله چون قیامت نزدیک آید این خصلتها پیدا شود
اول مردان بمردان بسنده کنند دوم زنان بزنان بسنده کنند سیوم دعوی
نسبها کنند و بدان نسب نباشند چهارم بزرگان بر خوردان رحمت نکنند پنجم
خردان مر بزرگان را حرمت ندارند ششم امر معروف را باز دارند هفتم آن
منکر دست باز دارند هشتم علم از بهر جمع کردن درم و دینار آموزند نهم بازها
بتابستان باز رود دهم فرزند بر رضای پدر و مادر کمتر باشد یازدهم بناهای قوی بنا
دوازدهم متابع هوا گردند سیزدهم دین را بدنیا فروشند چهاردهم خون بیگناهان را
خوار دارند پانزدهم از رحمها ببرند شانزدهم ناخن ها دراز گذارند هفدهم مصحف را
در سیم گیرند هژدهم مسجدها نقش و نگار کنند نوزدهم زشتها آشکارا شود بیستم

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)